



هزاران راه‌نرفته...

صفحه‌ی ۲

قابل تامل

نقد سیاسی چگونه باید باشد؟

کارکرد و نه به لحاظ اثربخشی نرسیده است. در مواقع روبه رو شدن با انتقاد معمولاً با جمله‌ای روبه‌رو می‌شویم که در درون آن نوعی تخطئه و بی‌اعتنایی به منتقد دیده می‌شود. "نقد شما سازنده نیست" این جمله را زیاد شنیده‌ایم و معنی آن این است که نقد شما جوری باید بیان و ابراز شود که جایگاه من محکم‌تر و مطمئن‌تر شود. این نوع تلقی از نقد که تحت عنوان جعلی نقد سازنده معرفی می‌شود در نهایت به بی‌خاصیت‌سازی نقد و بی‌اثر شدن منتقد منجر می‌شود.

طبعاً کارکرد اصلی نقد اصلاح و حتی تغییر یک ساختار ناقص و ناکاراست نه بزک کردن آن به عبارتی وظیفه

منتقد در مواقع بحرانی و در مواجهه با روندهای بحران‌زا انگشت گذاشتن بر نقاط ضعف مشخص و روشنی است که اگر درمان نشود دستاوردهای مثبت را هم با خود به نابودی می‌کشاند. سلاح و مکانیزم دیگری که در روبه‌رو شدن با نقد به کار گرفته می‌شود درخواست بیان هم زمان نکات منفی و مثبت یک عملکرد یا مجموعه است، گویی در این رویکرد منتقد وظیفه و کارکرد او در مجیزگویی و مداحی خلاصه می‌شود.

اگر اقدام مثبتی صورت گرفته وظیفه روابط عمومی‌هاست که آن را بیان کنند، قرار نیست منتقد بلندگو و تریبون دفاع از حوزه‌ها و زمینه‌هایی شود که در معرض نقد او قرار دارند. منتقدی که نکات مثبت را بیان کند، هر چه باشد

منتقد نیست! طبیعتاً اگر کسی یا نهادی وظیفه‌ای را که بر حسب قانون به او محول شده انجام دهد، کاری خارق‌العاده نکرده است. وظیفه منتقد بیان و شرح این وظایف نیست بلکه اتفاقاً تکلیف او بیان نقاط ضعف و کاستی‌های موجود در فرآیند و شکل انجام امور است. حربه دیگری که در مواجهه شدن با نقد استفاده می‌شود درخواست راهکار از نقدکننده است در حالی که نقد در متن خود برخوردار از راهکار هم هست و درخواست راهکار از منتقد نوعی فرار به جلو و طفره رفتن از پذیرش نقد است. مثلاً وقتی می‌گوییم نزاع سیاسی قابل قبول نیست، دیگر نمی‌توان متوقع بود که در کنار این گزاره، راهکار هم ارائه شود. به روشنی مشخص است این ابزارها و حربه‌ها در مواجهه با نقد بیان روشن نپذیرفتن وجود مسئله یا بحران در سیستم و ساختار است و یا اینکه

منتقد را رقیب یا نیروی رقبای کناری زدن و حذف ساختار تحت مدیریت مدیر یا فرد انتقاد شونده می‌دانند. منتقد نه دشمن که دوست است و باید نقد را موهبتی برای تداوم مدیریت‌ها و منتقد را در زمره دوستان همدل، همراه و دلسوز محسوب کرد که انگیزه او ناشی از درد و تعلق خاطر است و اصلاح روندها و رفتارهای غلط را هدف خود قرار داده است نه انهدام دستاوردهای مثبت را. در کلام مولای متقیان و در شیوه برخورد ایشان با نقد، مواردی بی‌شمار در طول تاریخ وجود دارد که مشخص می‌کند نقد تا چه اندازه برای اصلاح می‌تواند موثر باشد، آنجا که علی (ع) می‌فرماید: «أَحَبُّ اخوانی الیَّ مَنْ أهدی الیَّ عیوبی؛ محبوب‌ترین برادران دینی‌ام، نزد من کسی است که عیب مرا با بازگو کردن آن به من هدیه کند.»

افزایش تعداد احزاب، تثبیت دموکراسی یا افزایش بورکراسی

سید سلمان سامانی سخنگوی وزارت کشور روز یکشنبه از تأیید تاسیس ۴۰ حزب تازه در دولت های اول و دوم تدبیر و امید سخن گفت. سامانی همچنین در گزارش خود اعلام کرد که از این تعداد ۲۵ حزب مجوز فعالیت دائم دریافت کرده و ۱۵ حزب جدید دیگر ضمن دریافت مجوز فعالیت موقت در حال طی مراحل قانونی و تشکیل دفاتر استانی به منظور دائمی کردن مجوز خود هستند.

همچنین سالیانه ۶۰ کنگره حزبی با حضور ناظران وزارت کشور برگزار می‌شود. این میزان فعالیت در راستای وعده رییس جمهوری در توسعه فضای سیاسی و حزبی است اما آنچه همچنان با ابهامات ناتمامی روبروست که مهم ترین آن میزان اثر گذاری این احزاب در عرصه سیاسی کشور است و بر اساس برخی شواهد و اظهارات تعداد احزاب با اعضای بالا در کشور به عدد انگشتان دست هم نمی‌رسد. هر یک از احزاب ثبت شده در وزارت کشور برای قانونی شدن فرآیند حضور خود باید کنگره سراسری برگزار کنند، دفتر و تشکیلات مشخصی برای فعالیت خود تهیه کنند و در استان‌ها هم فعالیت داشته باشند. تمام این مراحل نیازمند بورکراسی است بی آن که سودی به حال سیستم سیاسی و انتخاباتی ایران داشته باشد.

گرچه حضور و فعالیت احزاب از اصول اولیه دموکراسی هاست اما در شرایط کنونی سیاست در ایران این تعداد حزب که گاهی از لوازم حزب بودن تنها به یک دفتر کار اکتفا کرده اند؛ نه تنها راه گشا نیست بلکه در ازحام خود راهبندان هم به وجود خواهند آورد.

خواهیم این فاصله را نقطه گذاری کنیم و سر هر نقطه کلمه ای و هدفی بکاریم و می دانیم که اگر این بشود آن وقت رفاه و مسکن و بهداشت و ... هم جزو بدیهیات و ضروریات دنیای آباد می آید؛ چون که صد آمد نود هم پیش ماست.

می خواهیم از انقلاب "مان" بگویم. این "مان" یعنی انقلابی متفاوت از الجزایر و فرانسه. یعنی انقلابی مخصوص خودمان. یعنی قله ای که امام مان توصیف کرد و یارانش تفسیر کردند.

قله ای که روی آن پرچم اخلاق، انصاف، برادری، حسن ظن، عدالت، دوری از تهمت، کرامت انسانی، نقدپذیری، تحمل و سعه صدر، ظلم ناپذیری، رفاه، آسایش و ... بود که اگر نبود انقلاب "مان" نبود.

درک نسبت فاصله مان با این قله می شود کارنامه "مان" که در دیگته نوشته شده به درست نوشتن ها نمره نمیدهند و در ازای غلط نوشتن ها نمره کم می کنند هر چند که در این مجال قصدمان نمره دادن نیست که یادآوری آرمان هاست. چرا که باز هم

هزاران راه نرفته...

و گسترش شبکه‌های ارتباطی و... بگویم و در حالی که قند در دلمان آب می شود به خودمان ببالیم. اشتباه نشود. بر آشفته نشویم که مگر این همه کار، کم کاری است که نباید قند در دلمان آب بشود؟ که مسلما کم کاری نیست اما...

اگر قرارمان از اول همین‌ها بود و اگر قرار بود همه آمال و آرزوهایمان به همین جا ختم شود که می توانستیم این همه زحمت مبارزه و ایستادگی و چند صد هزار شهید را به خود ندهیم و راهی را برویم که دیگران رفتند.

به قول مرحوم علی صفایی هر انقلابی محصول درک فاصله میان آنچه هست و آنچه باید باشد؛ است. حالا باید دید که آیا انقلاب "مان" تنها محصول درک میان نبود برق و آب و گاز و بودنشان است؟ "فاصله میان هستها و باید باشدها"؛ می

در روزگاری که انقلابی تر شدن از سابقون انقلاب، سکه رایج شده و برخی انقلاب نخوانده‌ها و امام ندیده‌ها چوب حراج به ذخایر انقلاب اسلامی میزنند و برخی جوانان، تلمذ نکرده استاد شده اند؛ سخن گفتن از این نهال آرزوهای دیرینه ملت، بوسیله یکی از همین جوانان کار سخت و سنگینی است.

جشن تولد چهل سالگی انقلاب "مان" را می گیریم و باز هم به سنت هرساله و به مدد تنبلی ذاتیمان به همان پوستر و شعاری بسنده می کنیم و سرمست و مغرور می شویم از این همه دلدادگی به انقلاب و حضور در صحنه‌ها.

می توانیم در وصف انقلاب "مان" صفحانش را آنطوری که دوست داریم بخوانیم و از گازکشی‌ها، سدسازیها، آب رسانیهها، ساختمان سازیها



بسنده شوند. خوشحالی ما از اینجاست که میدانیم بنای خواسته های ملت با معماری امام خمینی (ره) و یارانی چون بهشتی ها و مطهری ها برپا شد و اگر نگرانی هست نه از باب کجی "خشت اول" که از منظر راوی و طلبکار شدن مجاهدان شنبه است که ردای دوست بر تن کرده اند و تفسیر انقلابی خود را بر ملت انقلاب کرده تحمیل کرده و توشه دلسردی را برداشت می کنند. جشن چهل سالگی می تواند سرآغاز قیاس ها باشد میان راههای رفته و هزاران راه نرفته که باید بیماییم.

رسند اما به ما حق بدهید که مقایسه مان از جنس دیگری باشد. نگرانی ما از همان جنسی است که رهبرانقلاب می گویند: امر به معروف، مصداق اتم و اکملش، امر به ایجاد یک جامعه اسلامی، یک حکومت اسلامی است. نهی از منکر، مصداق اتم و اکملش نهی از منکر و وجود یک جامعه طاغوتی است. "و ما نگران این طاغوتی می شویم که زیست و حیاتش را در هر شرایطی تعریف می کند.

ولی ما خوشحالیم که دوران طاغوت را درک نکردیم که توقع مان به کم ها محدود شود و قله هایمان به تپه هایی

همین انقلاب "مان" و رهبران "مان" بهمان آموختند که آرمانخواه باشیم و کیسه فهم و درک و طلبمان را با کم ها نیندیم. انقلاب به ما آموخت که باید "آرمان" طلب باشیم. به همین خاطر است که بیش از آنکه به "آمدن ها" توجه کنیم به "نرفتن ها" نگاه داریم و پیش از آنکه از گام های برداشته مان خوشحال باشیم از گام های نرفته مان نگرانیم.

جشن چهل سالگی انقلاب را می گیریم اما می دانیم که هنوز پیروز نیستیم. آنهایی که "پهلوی" را دیده اند و بعد انقلاب را درک کرده اند با مقایسه ها به خوشحالی می